



امام خمینی (ره) پیش از سال ۱۳۴۲ دو مرتبه در خانه‌های قدیمی در محله امامزاده قاسم (ع) سکونت موقت داشتند و مدت ۳ ماه نیز در منزل آیت الله سید حسین رسولی محلاتی، امام جماعت وقت مسجد امامزاده قاسم (ع) اقامت کردند. تعدادی از اقامتگاه‌های موقت ایشان هم در قم و در نزدیکی حوزه علمیه بود. اما از مهم‌ترین اماکن منسوب به بنیانگذار انقلاب اسلامی که به صورت کوتاه و محدود در آنها اقامت

و سکونت داشتند، مدرسه رفاه و علوی تهران بود. امام (ره) بعد از بازگشت به ایران، از روز ۱۳ بهمن ۱۳۵۷ در مدرسه رفاه اقامت و به رهبری نهضت انقلابی پرداختند. اما بنا به دلایلی مانند کوچک بودن فضای مدرسه برای برگزاری ملاقات‌هایی انقلابی که از سوی مردم با استقبال چشمگیری مواجه بود و نیز دلایل امنیتی، محل اقامت موقت امام خمینی (ره) از سوی کمیته استقبال ایشان به مدرسه علوی منتقل شد.

ایران سکونتگاه‌های موقت

● ویژه‌نامه روز هفتم
● ۱۲ خرداد ۱۴۰۲
● شماره ۳



امام^۵ به روایت همسرشان زندگی زیر سایه احترام

مرحومه خدیجه ثقفی ملقب به «قدس ایران»، دختر آیت الله میرزا محمد ثقفی و همسر امام خمینی (ره) بود که اوایل اسفندماه سال ۱۳۰۸ با امام خمینی ازدواج کرد و حاصل ۶ دهه زندگی مشترک با ایشان، ۳ پسر و ۵ دختر بود که ۳ فرزندشان به نام‌های لطیفه، سعیده و سیدعلی را در دوران کودکی از دست دادند و ۵ فرزند دیگرشان شهید آیت الله مصطفی خمینی، بانو صدیقه مصطفوی، بانو فریده مصطفوی، بانو زهرا مصطفوی و مرحوم حجت الاسلام والمسلمین احمد خمینی بودند.

● رعایت حریم شخصی

زندگی امام (ره) سراسر با رفتار احترام‌آمیز و همراه با محبت بود. انطور که در خاطرات مرحومه ثقفی، آمده: امام به من خیلی احترام می‌گذاشتند و خیلی اهمیت می‌دادند. هیچ حرف بد یا زشتی به من نمی‌زدند. همسر امام (ره) همچنین از اوایل ازدواجشان خاطراتی نقل کرده که نشان از احترام حضرت امام (ره) به ایشان در موضوعات شخصی، رفت و آمدها و پوشش دارد: «اوایل زندگی من هفته اول یا ماه اول، یادم نیست، به من گفتند: من به کار تو کاری ندارم. به هر صورت که میل داری لباس بخر و بپوش. اما آنچه از تو می‌خواهم این است که واجبات را انجام بدهی و محرمانه را ترک نکنی؛ یعنی گناه نکنی. به مستحبات خیلی کاری نداشتند، هر طوری که دوست داشتم زندگی می‌کردم. به رفت و آمد با دوستانم کاری نداشتند و اینکه چه وقت بروم چه وقت برگردم، ایشان به درس و تحصیل مشغول بودند و من هم سرم به کار خودم بود.»

● محبتی که پنهان نبود

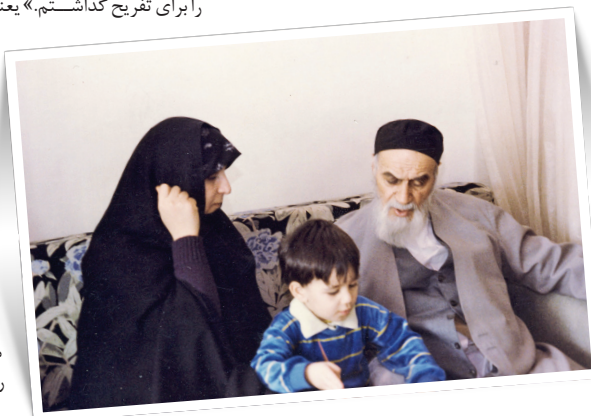
او بارها از محبت و توجه امام (ره) نسبت به خودش یاد کرده: اینکه بگویم زندگی مرا به رفاه اداره می‌کردند، نه. طلبه بودند و نمی‌خواستند دست پیش این و آن دراز کنند - همچنان که پدرم نمی‌خواست - دل‌شان می‌خواست با همان بودجه کمی که داشتند زندگی کنند، ولی احترام مرا نگه می‌داشتند. حتی حاضر نبودند که من در خانه کار بکنم، همیشه به من می‌گفتند جارو نکن. اگر می‌خواستیم لب حوض روستی بچه را بشوییم می‌آمدند و می‌گفتند: بلند شو، تو نباید بشویی. من پشت سر او اتاق را جارو می‌کردم، وقتی او نبود لباس بچه را می‌شستم. حتی یک سال که کسی که همیشه در منزل کار می‌کرد، نبود آن موقع مادر محله امامزاده قاسم بودیم، همین اواخر بود که بچه‌ها بزرگ شده و شوهر کرده بودند، وقتی ناهار تمام شد من نشستم لب حوض تا ظرف‌ها را بشویم، ایشان همین که دیدند من دارم ظرف‌ها را می‌شویم، از بین دخترها، فریده منزل ما بود، گفتند: فریده بدو، خانم دارد ظرف می‌شوید، فریده دود و آمد ظرف‌ها را از من گرفت و شست.



۹ تا صبح

نصیحت‌های پدرانه

در خاطرات دکتر سیدحسن عارفی، پزشکی که در سال‌های بعد از انقلاب با امام (ره) همراه بود، درباره عادت‌های صبحگاهی امام (ره) جزئیات جالبی منتشر شده است. او نوشته: بین ساعت ۱۰ تا ۱۰ صبح، مدتی با خانواده همراه بودند و گپ و گفت‌هایشان با اعضای خانواده معروف بود، با همه خانواده حرف می‌زدند. سیاسی صحبت نمی‌کردند. با خانواده مزاح می‌کردند. با بعضی، از دوران جوانی حرف می‌زدند. برای برخی از حالشان می‌گفتند. با بچه‌ها بگو و بخند می‌کردند. از سال ۱۳۶۵ به بعد و به علت سکنه قلبی، در ساعت ۱۰ صبح در حدود یک ساعت و نیم می‌خوابیدند. همچنین زهرا مصطفوی خمینی، فرزند امام (ره) در خاطراتش از تأکید رهبر انقلاب بر حفظ تعادل در جنبه‌های مختلف زندگی یاد می‌کند و با بیان اینکه امام (ره) اهل مدام نصیحت کردن نبودند، می‌افزاید: نصیحت‌هایشان هم بجا بود. برای مثال وقتی امام (ره) می‌دیدند من روزهای تعطیل هم مشغول درس خواندن هستم، می‌گفتند: به جایی نمی‌رسی، چون باید موقع تفریح، تفریح کنی. حتی این مسئله را به پسر من هم جدی می‌گفتند. این نقل قول از خود امام است که در حضور من مکرر به پسر می‌گفتند: من نه یک ساعت تفریح را گذاشتم برای درس و نه یک ساعت وقت درس را برای تفریح گذاشتم. یعنی هر وقت را برای چیز خاصی قرار می‌دادند و به پسر من این نصیحت را می‌کردند که تفریح داشته باش. اگر نداشته باشی، نمی‌توانی خودت را برای تحصیل آماده کنی. به این ترتیب از ما می‌خواستند تعادل را در ابعاد مختلف زندگی روزمره حفظ کنیم.



این زمینه در خاطرات یکی از نوه‌های دختری امام (ره) هم به رفتار محبت‌آمیز ایشان با اعضای خانواده چنین آمده: هر فردی از خانواده امام (ره) که به دیدار ایشان می‌رفت احساس می‌کرد آقا خیلی دوستش دارد. همه ما این احساس را داشتیم که امام (ره) بیشتر از همه به او علاقه دارد. خصوصیات داشتند که قابل صحبت نیست. یاد می‌آید هر بار که به اتاق امام (ره) وارد می‌شدم، لبخند داشتند. اگر زمانی وارد اتاق امام (ره) می‌شدم و ایشان مشغول خواندن قرآن بودند: از ما اجازه می‌گرفتند که قرأت آن صفحه را تمام کنند و بلافاصله آن صفحه را تمام می‌کردند و بعد به ما محبت می‌فرمودند. گاهی از مسائل شخصی و مشکلات ما سؤال می‌کردند طوری که واقعا انتظار نمی‌رفت امام (ره) با این همه مسئولیت‌هایی که بر دوش دارند و با این وقت اندک، اینقدر نسبت به مسائل خانواده دقت داشته باشند.

مهربانی و ظرافت کلام

در خاطرات خانواده امام (ره) بارها از شوخ‌طبعی و ظرافت کلام ایشان نقل قول‌هایی منتشر شده است. در بیشتر مکالمات ایشان با اعضای خانواده می‌بینیم که به جای صحبت‌های تند یا نصیحت مستقیم، با کلام ظریف و لحن ملنژگونه، تأثیرگذاری حرف‌های خود را بیشتر می‌کردند. زهرا خانم می‌گوید: وارد اتاق امام (ره) که می‌شدم، انگار وارد بهشت شده‌ام بوی عطر می‌داد. به خاطر اینکه آقا روزی چندبار عطر استفاده می‌کردند. گاهی ما در منزل که کار آشپزخانه را انجام می‌دادیم بعد که می‌رفتیم خدمت امام (ره)، وقتی می‌نشستم سرشان را برمی‌گرداندند و می‌گفتند: «ناهار فلان خورشت را دارد؟» غیر مستقیم می‌خواستند بگویند که بوی سبزی می‌دهی. البته هیچ وقت چیزی به ما نمی‌گفتند. حتی من یک دفعه گفتم: شما چقدر باید ما را تحمل کنید. نمی‌خواستند خلاف بگویند، بنابر این گفتند: خوب تحمل می‌کنم. در



ساعت‌هایی از روز را حتما به هم صحبتی با خانواده اختصاص می‌دادند

پدر مهربانی‌ها

امام خمینی (ره) برای هر ساعت از شبانه‌روز خود، برنامه‌ریزی دقیقی داشتند. ویژگی مهم برنامه‌ریزی ایشان، حفظ تعادل و در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف زندگی بوده است. به همین دلیل هم می‌بینیم که در فعالیت‌های روزمره بنیانگذار انقلاب، به همان اندازه که به اداره امور کشور، عبادت، مطالعه و امور معنوی توجه نشان می‌دادند، حواسشان به ارتباط خانوادگی و وقت گذراندن با خانواده هم بود. به طوری که هر روز از ساعت ۹ تا ۱۰ صبح ساعتی را به ارتباط با خانواده، صحبت و وقت گذراندن با آنها اختصاص می‌دادند؛ گفت‌وگو‌هایی که خاطرات خواندنی از آن نقل شده است.

برهیز از سختگیری

شوهرم این بود که صبح بچه را بیدار کنند و همسر صبح‌ها دخترم را که مکلف شده بود، بیدار می‌کرد. امام (ره) وقتی از ماجرا باخبر شدند، برای همسرم پیغام فرستادند که خواب را بر بچه تلخ نکن. این کلام، آنچنان مؤثر افتاد و اثر عمیق بر روح و جان دخترمان برجای گذاشت که بعد از آن خودش سفارش می‌کرد که برای اقامه نماز صبح بموقع بیدار ش کنیم.

در خاطرات فریده مصطفوی دختر دوم امام (ره)، روایت‌های بسیاری از نوع رفتار ایشان با اعضای خانواده نقل شده است. او درباره مهربانی و انعطاف رفتاری امام (ره) در عین اقتدار ایشان به یاد دارد: «امام (ره) در منزل با بچه‌ها خیلی مهربان بودند و محیط خانواده ما پسر از رفاقت و صمیمیت بود. در عین حال امام (ره) خیلی هم قاطع و جدی بودند. ما می‌دانستیم و در عمل، نه در لفظ اینطور به ما تفهیم کرده بودند که اگر حرفی می‌گویم، نباید شما بر خلاف آن رفتار کنید و اگر چیزی مخالف میل‌شان هست، نباید آن را انجام دهیم و انجام نمی‌دادیم. البته ایشان هم نسبت به فروعات ما را آزاد می‌گذاشتند، خیلی سخت نمی‌گرفتند، ولی درباره اصول که خیلی به آنها مقید بودند، فردی قدرت مخالفت نداشت. ما را مقید می‌کردند که معصیت نکنیم و مؤدب به آداب اسلامی باشیم. با وجود توصیه‌های امام (ره) به فرزندان برای رعایت اصول دینی و رفتاری، ایشان سختگیر نبودند. دکتر زهرا مصطفوی در این باره می‌گوید: برنامه‌شان بر بیدار کردن صبح نبود، یعنی اگر خدمت ایشان می‌خواستیم چه نماز شب و چه نماز صبح را چنان آرام می‌خواندند که ما اصلا بیدار نمی‌شدیم. هیچ وقت برای نماز کسی را بیدار نمی‌کردند، مگر کسی می‌سپرد، برنامه خانواده